



روزان دُوب

کفتار و گفتو در باب ۵۰ سال مبارک شرکت سهامی دُوب آهِن اصفهان



شرکت سهامی دُوب آهِن اصفهان
(سهام عام)

زبان ذوب

گفتار و گفتگو در باب ۵۰ سال حیات شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به اهتمام و هدایت گری: علیرضا امیری

پدید آورندگان: بهرام جعفر پور

با همکاری: حمید عادل زاده نایینی، اسدالله اسدی،

علی حسین غریبی، شهران باقری، مهران رسول زاده،

حمید افقزی، سمیه ایزدی، امراالله بیات، احمد بیات،

صفی الله حسینی، محمد زارع، علی اکبر طغرای،

عظام الدین صدیقی و مرتضی ربانی

آمایش صفحات: مهر گرافیک ۰۹۱۳۱۶۸۰۲۴۳

آثار از: رابط عمومی ذوب آهن اصفهان

ناشر: انتشارات مهر آذین / چاپ و صحافی: پرستو

۱۳۹۶ ماه



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

جعفرپور، بهرام، ۱۳۴۳ -

زبان ذوب : گفتار و گفتگو در باب ۵۰ سال حیات شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان/پدیدآورندگان

بهرام جعفرپور، با همکاری حمید عادل زاده نایینی، [...]

امیری، اثری از رابط عمومی ذوب آهن اصفهان.

اصفهان: انتشارات مهرآذین، ۱۳۹۶.

ص: ۴۸۸؛ مصور(رنگی)؛ ۲۱/۵×۳۱/۵ سم.

978-600-7884-33-1

فهرست

به مناسبت گرامیداشت پنجاهمین سالگرد تأسیس ذوب آهن اصفهان.

با همکاری حمید عادل زاده نایینی، اسدالله اسدی، علی حسین غریبی، شهران باقری،

رسول زاده، حمید افقزی، سمیه ایزدی، ...

گفتار و گفتگو در باب ۵۰ سال حیات شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

کارخانه‌ها -- ایران -- اصفهان -- تاریخ

Factories -- Iran -- Esfahan -- History

مدیران -- ایران -- خاطرات

Executives -- Iran -- Diaries

مدیران -- ایران -- مصاحبه‌ها

Executives -- Iran -- Interviews

عادل زاده نایینی، حمید، ۱۳۵۰ -

امیری، علیرضا، ۱۳۴۵ -

شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان. روابط عمومی

۱۳۹۶ ج۷ ۱۹الف/۵T5239/5

۳۳۸/۴

۵۱۱۲۷۰۷

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

شماره کتابشناسی ملی

۱۴	پیشکسوتان و معاصران در یک قاب
۱۸	پنجاه ساله ام

فصل اول: گفتار در باب پنجاه سال حیات شرکت سهامی

ذوب آهن اصفهان

۲۴	روایت تأسیس ذوب آهن اصفهان
۳۰	آشنایی با شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان
۷۲	فعالیت های زیست محیطی ذوب آهن اصفهان
۸۰	آمار تولید فولاد ذوب آهن اصفهان در ۴۷ سال اخیر

فصل دوم: گفتگو در باب پنجاه سال حیات شرکت سهامی

ذوب آهن اصفهان

۱۴۶	محمد تقی بانکی	۸۴	حسین آذربایجانی
۱۵۲	احمد رضا بانیان	۹۴	سید موسی آقائی لنکرانی
۱۶۸	محمد جواد برناتی	۱۰۰	سید محمد رضا آیت اللهی
۱۷۸	محمود بهادران	۱۰۶	مسعود ابکاء
۱۸۴	ب یزدان بیگلری	۱۱۶	اصغر اربابیون
۱۹۰	علی پالیزدار	۱۲۰	محمود اسلامیان
۱۹۲	پ حسن پلارک	۱۲۴	ایرج اصلانی
۱۹۶	حسین تشکری	۱۲۸	سید اردشیر افضلی
۱۹۸	محمد حسن تقی زاده	۱۳۲	محمدرضا امیدبخش
		۱۳۸	آتش انتظامی

۳۰۲	احمد صادقی	۲۰۴	اسحاق جهانگیری
۳۱۲	علی صادقی	۲۱۰	محمدحسن جولازاده
۳۱۶	ص اسدالله صالح فروز	۲۱۴	محمد مهدی حمیدیا
۳۲۲	سید محمد طاهایی	۲۱۶	ح محمود حمیدی شاد
۳۲۸	ط محمدیاسر طیب نیا	۲۲۰	علیرضا خزاعی
۳۴۶	عباس عباس زاده	۲۲۶	خ مراد رضا خسروی راد
۳۵۲	محمد علی عباسی	۲۳۰	مرحوم عباسی
۳۵۶	ع محمد حسن عرفانیان	۲۳۶	د احسان ششانه
۳۶۰	حسن فامیل دردشتی	۲۴۰	ایرج رخصتی
۳۶۴	حسین فخاری	۲۴۶	ر علیرضا رفیعی
۳۷۰	د جتبی فردیار	۲۵۰	داریوش سرور
۳۷۴	ح محمد رضا فرقدانی	۲۵۴	اردشیر سعد محمدی
۳۷۸	محمدحسین فنایی	۲۵۸	عباس سمندریان
۳۸۲	ف محمد میص بخشین	۲۶۴	س ماشاله سهراب نژاد
۳۸۶	یدالله قادی	۲۶۶	کاظم شاپوری
۳۹۰	ق حمید قانونی	۲۷۰	علی شکرریز
۳۹۴	مهدی کرباسیان	۲۷۴	حسین شهسواری
۳۹۶	ک احمد کیوان آرا	۲۷۸	شاهرخ شهنازی
۴۰۴	ل سهراب لطفی مہیاری	۲۸۶	داریوش شهیدی
		۲۹۴	ش عبدالحمید شیبانی

۴۰۸ محمد مانی

۴۱۰ حسن مقاره زاده

۴۱۸ محمد حسین مقیمی

۴۲۶ غلامرضا ملکیان

۴۳۲ بیروس مؤتمن

۴۴۴ مصطفی مؤذن زاده

۴۵۰ حسن علی نقاش

۴۵۸ شهید حسین زاده دآبادی

۴۶۲ محمد رضا وفایی

۴۶۸ منصور یزدی زاده

۴۷۱ عبدالکریم یوسفی نیا



پیشکسوتان و معاصران در یک قاب
علیرضا امیری

برادری در یک پیام تکریمه آید. کرده بود که چرا از یک شاعر، استاد دانشگاه، ادیب، عارف و نویسنده بعضاً تجلیل و تکریم می‌شود ولی هیچ‌گاه ذکر خیری از صنعتگران و کارآفرینان که امور اقتصادی کشور را رقم می‌زنند به میان نمی‌آید. این تذکر به شماست که در روابط عمومی اولین کارخانه فولاد کشور مشغول به کار هستیم نه به یاد آیم که اگر مرجعی قرار است این احترام و تکریم را انجام دهد، جای نیست جز روابط عمومی. لذا با همکاری و همت دوستان به جمع آوری سوابق و نظرات همکاران سابق خود همت گماشتیم. اگر چه تعدادی به رحمت ایزدی پیوسته بودند و جمعی به دلایل مختلف نتوانستند ما را همراهی کنند، لیکن جمع شایسته و بزرگواری بر ما منت نهادند و در این امر خطیر روابط عمومی ذوب آهن را یاری نمودند.

در بین مصاحبه‌هایی که در کتاب می‌خوانید ذکر دو مورد مثالی را به

عنوان قطره ای از فداکاری و درایت پیشکسوتان مایلم ذکر کنم چرا که شنیدن همین لمحها و لحظه‌ها بود که انگیزه نشر خاطرات و فعالیت‌های بزرگان را در من تقویت کرد.

یکی از این خاطرات مربوط به جایی است که آقای مقاره زاده می گوید: هنگامی که روس‌ها ایران را ترک کردند، ما مجبور شدیم کارخانه را در اوج جنگ اداره کنیم. ناگهان در ۲۹ اسفند زنگ کوره بلند برید و با سقوط در که در میان مذاب ۱۴۰۰ درجه قرار گرفت و ما که تا آن زمان چنین اتفاقی را تجربه نکرده بودیم اضطراب تمام وجودمان را فرا گرفت و درست سبب عید که همه همکاران ما به تعطیلات عید نوروز ۱۳۶۵ رفته بودند، ابداً عید بی همکاران ارسال کردیم و نگران که شاید تعداد اندکی روز عید سر کار حاضر شوند ولی صبح روز بعد با حضور ۲۵۰ مرد فداکار و از جان گذشته بهانه‌ها و عیدیه گرفتیم و خوشحال شدیم که احساس کردیم می‌توانیم کوه‌های اطراف را هم جا به جا کنیم. آن روز توانستیم زنگ کوره بلند را تعویض کنیم. برای این کار جوشکاران با لباس نسوز و کپسول اکسیژن داخل کوره رفتند و جوشکاران لازم را انجام دادند و شافت زنگ کوره را به طول ۱۵ متر از دهانه کوره خارج کردند.

(شایان ذکر است که آقای مقاره زاده که برای اولین بار می‌خواستند کارگران را داخل کوره بفرستند قبل از همه خود وارد کوره می‌شود و حرارت چند صد درجه ای را تجربه می‌کند و پس از او جوشکارها به نوبت وارد کوره بلند می‌شوند).

خاطره دوم جایی است که حسین آذربایجانی می‌گوید هر شب که

کارخانه با توقف و تعمیر مواجه می شد فردای آن روز ما مطلع می شدیم که مدیر عامل نیم ساعت پس از وقوع حادثه در کارخانه حضور داشته و این موضوع برای من به عنوان مدیر تعمیرات ناخوشایند بود، وقتی موضوع را جویا شدم فهمیدم او از دیسپاچر خواسته که توقف کارخانه را هر ساعت از شبانه روز را به اطلاع او برساند و پس از آن بود که آقای آذربایجانی دیسپاچر را وادار می کند که در حوادث ابتدا او را و نیم ساعت پس از آن عبدالحمید شیبانی را مطلع کند و از آن تاریخ به بعد هرگاه شایخی خود را به محل حادثه می رساند آذربایجانی را می دید که قبل از او در محل حادثه حاضر شده است.

وقتی این خاطرات را شنیدیم تمام وجودمان مالا مال از عشق و امید به آینده بهتر می شد و به وجه دیدش کسوتان ذوب آهن افتخار می کردیم و به همدیگر تذکر می دادیم که هر خاطره این بزرگان قابلیت نوشتن در یک کتاب و یا نمایش در یک فیلم منتظر دارد.

به هر حال حرکت بزرگی را آغاز کرده ایم که در ابتدای آن قرار داریم و انشاءالله به لطف حضرت حق این مسیر را ادامه خواهیم داد.

در اینجا لازم می دانم از هیات مدیره و مدیر عامل محترم شرکت جناب آقای مهندس احمد صادقی که با سعه صدر و بزرگواری از ما حمایت کردند، قدردانی و سپاسگزاری کنم.

از دوستانم مخصوصاً جناب آقای بهرام جعفرپور که انجام این مهم به همت این مرد شریف محقق شد و از دوستان عزیزم آقایان علی حسین غریبی، اسداله اسدی و حمید عادل زاده مسئولین ادارات روابط عمومی و آقایان امراله بیات، احمد بیات، حمید افقزی، مهران رسول زاده، صفی اله

حسینی، شهران باقری، محمد زارع، علی اکبر طغرای، همچنین آقایان
عظام الدین صدیقی و مرتضی ربانی و سرکار خانم ایزدی بی‌نهایت
سپاسگزارم.

www.ketab.ir